داکتر هاشمیان

۲۰۱٤/ ۰۸/ ۲۷

قابل توجه زبانشناسان و جامعه شناسان افغان
تبصره بالای دو مقالهء دو دانشمند پیرامون تجویز "استندرد سازی زبان"

قسمت دوم:

گفتیم (چالش) متشکل است از (چال) + (- اش) – (- اش) یک پسوند بسیار مهم و کار آمد زبان دری است که از آن ترکیبات مختلف ساخته. هرگاه پسوند (- اش) به صیغهء امر مصدر فعل اضافه شود، اسم صفت ساخته میشود:

مصدر	صیغهٔ امر	+ پسوند (- ایش) = اسم صفت
رفتن	رو	+ (- اش) = روش
دادن	ده	+ (- اش) = دهش
دیدن	بین	+ (- اش) = بینش
خوردن	خور	+ (- اش) = خورش
کردن	کن	+ (- اش) = کنش
گفتن	گو	+ (- اش) = گویش = گفتار: زبان گفتار = زبان گویش
نالیدن	نال	+ (- اش) = نالش
تابیدن	تاب	+ (- اش) = تابش
نمودن	نما	+ (- اش) = نمایش (بخاطر و اول / آ /، (-اش) به (یش) تبدیل می شود.

پسوند دیگری داریم بنام (-انده) که هرگاه به صیغهٔ امر فعل اضافه شود، اسم صفت(وجه فاعلی) میسازد :

گرفتن	گیر	+ (- انده) = گیرنده
خوردن	خور	+ (- انده) = خورنده
دادن	ده	+ (- انده) = دهنده
کردن	کن	+ (- انده) = کننده
گفتن	گو	+ (- انده) = گوینده (بمنظور سهولت تلفظ (ی) تولید میشود)
دیدن	بین	+ (- انده) = بیننده
نالیدن	نال	+ (- انده) = نالنده
تابیدن	تاب	+ (- انده) = تابنده
نمودن	نما	+ (- انده) = نماینده

رول مهم دیگر پسوند (- اش) اینست که هرگاه با اسم عام یکجا شود، وجه ملکی با تصاحب اختیار میکند، مثلا:

اسم عام	+ (- اش)	وجه ملکی
قلم	+ (- اش)	= قلمش
موتر	+ (- اش)	= موترش
مادر	+ (- اش)	= مادرش
خانه	+ (- اش)	= خانه اش (هرگاه اسم مختوم به /هه/ یا / آ /)
کالا	+ (- اش)	= کالایش. (باشد،(- اش) در اخیر اسم می یاید)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

منظور از ذکر مثال های بالا اینست که زبان دری یک زبان "وندی" است، یعنی از چسپاندن پیشوندها و پسوندها بکلمات زبان، معانی جدید ایجاد می کند، بشرط اینکه کلمه ایکه با (- پسوند) می چسپد، کلمهء اصیل دری باشد، نه کلمات عربی، نه کلمات خارجی، و نه ترکیباتی که با فعل معاون ساخته میشوند، از قبیل غسل کردن، نان خوردن، قدم زدن و امثالهم. از آنجائیکه ایرانیها کلمهء (چالش) را بمعنی (مشکل) در افغانستان رایج ساخته اند، در حالیکه جزء اول کلمهء (چالش)، یعنی (چال) یک کلمهء خارجی (سانسکرت، اردو) است، پسوند (- اش) اصلا با کلمهء (چال) نمی چسپد و در زبان دری معنی را ایجاد نمیکند- بنابران کلمهء (چالش) ساخت ایران در زبان دری یک کلمهء چبوله و غیر دستوری است. اما ایرانیها بخاطر دشمنی که با کلمات عربی دارند، این کلمه چبوله را بمعنی (مشکل) در افغانستان رایج ساخته اند- افغانها که معنی کلمهء (مشکل) را می فهمند، وقتی کلمهء تحمیل شدهٔ (چالش) را تلفظ میکنند، در اکثر اوقات کلمهء عربی (مشکلات) حتی (مشکلات ها) را نیز متعاقب آن ذکر میکنند.
کلمهء عربی (مشکل) قدامت ۱۳۰۰ ساله در زبان دری دارد و از آن ترکیباتی از قبیل (مشکله، مشکلات، مشکلین) ساخته شده میتواند. افغانها چه مجبوریت دارند بجای کلمهء مقبول (مشکل)، کلمهء منحوس و عاری از معنی (چالش) را استعمال کنند. اما افغانها یک حکومت دلسوز و حافظ منافع ملی ندارند- وزیر فرهنگ حکومت کابل نوکر و معاش خور ایران بوده است- او هر روز کلمهء چالش را ده ها بار می شنود، ولی هیچگاه از نصیحت و انتقاد کار نگرفته تا مطبوعات و میدیای افغان را متوجه بدعت های به سازد که هر روز توسط نوکران ایران بشکل کلمات و اصطلاحات جدید بخورد مردم افغانستان داده میشود. من به حیث یک تن از استادان سابق پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل با نشر این مقاله پیرامون بدعت و نا مقبولیت کلمهء (چالش) ابرای ذمه میکنم، اختیار بدست آن طبقه مردم شریف افغانستان است که پابند زبان و عنعنات ملی خود می باشند. حکایتی هم درباب توجه و دلسوزی اعلحضرت محمد ظاهرشاه برایتان بیان میکنم: ایران در دههء ۵۰م کلمهء (موشک) معادل(راکت) را اختراع کرد و این کلمه چند بار در مطبوعات و رادیو افغانستان پخش شد. روشنفکران افغان و استادان پوهنتون کلمهء (موشک) را مقبول نیافته، مقاله ای در مطبوعات چاپ و کاپی آنرا به دارالتحریر شاهی ارسال کردند. درین مقاله نوشته بودند که ما افغانها با استعمال کلمهء (راکت) با جهان مخابره میتوانیم، ولی با استعمال کلمهء (موشک) تنها با ایران مخابره میتوانیم. مزاح و مطایبه ای هم درین مقاله درج شده بود که "با استعمال کلمهء (موشک) جامعهٔ موش های افغانستان نیز از ما ناراض خواهد شد..." – قرار مسموع اعلحضرت محمد ظاهرشاه فردای آن به مطبوعات و رادیو امر کردند که کلمهء (موشک) دیگر در افغانستان استعمال نشود. از آن تاریخ تا امروز، همه مطبوعات افغان، به استثنی تلویزیون طلوع که در آن یکعده غلام بچه های حلقه بگوش ایران جابجا شده و هنوز هم (موشک) میگویند، سائر دری زبانها (راکت) و پشتونها (توغندی) یا (راکت) یا (راکتونه) را استعمال میکنند.
اکنون مطالب مندرج در پاراگراف دانشمند محترم میرمن واهب واصل را در چند بخش جداگانه مطرح میسازیم-
میفرمایند: "زبانهای ما نظر به پیشرفت تخنیک همه روزه ضرورت بیشتر به انکشاف و توسعه پیدا میکند..."
عرض میشود: زبانهای ما یقیناً محتاج انکشاف در قلمرو کشور خود میباشند – این انکشاف از طریق تحقیق و تتبع بالای لهجه ها، کلمات مشرف به زوال و کلمات و ترکیبات نو، ایجاد فرهنگ ها، انسکلوپیدیا، کتابهای درسی، کتابهای خواندنی و از همه مهمتر توسعهء سیستم آموزش سمعی – بصری در سراسر کشور بمنظور مبارزه با بیسوادی و تربیت تعداد بیشتر معلمین زبان میسر میباشد تا در قریه ها و مساجد سواد آموزی را تدریس کنند. پیشرفت تخنیک در انکشاف زبان در افغانستان تا اندازه ای مفید و مثمر بوده میتواند، زیر اما در حال حاضر نه تعداد کافی تخنیکر و نه وسایل تخنیکی کافی برای انکشاف زبان در افغانستان داریم. یک پروگرام جامع به کمک یونسکو و در تحت نظر متخصصین تعلیم و تربیه (افغانی و خارجی) باید برای این منظور طرح و تطبیق شود.
ما در سال ۱۹٦٤در آرشیف پوهنځی ادبیات ۲۲ زبان رایج در افغانستان را در کاست ها ثبت داشتیم، اکنون نه آن آرشیف مانده و نه آن زبانها – خوشبختانه نامها و خصوصیات جغرافیایی آن زبانها نزد من موجود بود، و در سمیناری که در یک موزیم کلفورنیا (Pacific Asia) به اشتراک استادان پوهنتون لندن در سال ۱۹۹۹دائر شده بود، راجع به زبانهای افغانستان مقاله ای خواندم که بعدا عیناً در بیولتن علمی پوهنتون لندن نشر شده است. دولت پاکستان قبیلهء پر نفوس گویندگان زبان پشه ای را با جنرال جمعیتی آن، از دره های کاپیسا و علیشنگ و علینگار جلب کرد و به پاکستان برد، و اکنون از آنها بحیث مدافع کشمیر کار میگیرد، افغانها باید در صدد حفظ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

و نگهداشت زبانهای متعدد نورستان باشند که دو سه دیگر آن در دورهء جهاد از بین رفته است بلی اگر زبان حفظ نشود می میرد !
به عقیدهٔ محترمه میرمن واهب واصل "...استندرد هائیکه ما از سالیان بسیار دور تا امروز در نوشتن و خواندن زبان خود مورد استفاده قرار داده ایم دیگر برای این تخنیک پیشرفتهٔ تکنالوژی امروز جوابگو نیست....."عرض میشود: تاجائیکه به من معلوم است، ما هیچگونه "استندرد" علمی برای نوشتن و خواندن زبان خود بکار نبسته ایم، زیرا کتب درسی توسط متخصصین با صلاحیت تألیف نشده، در زمان سلطنت اعلیحضرت امان الله خان نهضت سواد آموزی رویکار آمد، در آنوقت (اصول کاکا) که یک دانشمند کندهاری قبلا تألیف کرده بود و طریقه هایکه شخص پادشاه خودش در بعضی مکاتب تدریس میکرد، و بعداً رساله ای بنام (بخوان و بدان) در بعضی مکاتب ابتدایی تدریس میشد، در عصر ظاهرشاه (اصول یونس) توسط یک شخص غیر مسلکی تألیف شد، اما وزارت معارف آنرا چاپ و تکثیر نکرد. رویهمرفته سواد آموزی بطور بسیار کُند و بطی و غیر علمی در افغانستان تطبیق شده و تا کنون از کمک "تخنیک پیشرفتهٔ تکنالوژی" محروم بوده است. مستشعرم که از تکنالوژی پیشرفته میتوان برای توسعهء سواد آموزی در افغانستان استفاده کرد، اما من استفاده ازین تکنالوژی را برای معیاری ساختن خواندن و نوشتن چندان مثمر نمی بینم و یک قسمت دلایل آن در بالا توضیح شده است. تجویز شما متخصصین کامپیوتر از چه قرار است که این "تخنیک پیشرفتهٔ تکنالوژی" را از چه طریق و با کدام وسایل میتوان برای معیاری ساختن زبان نوشتار در افغانستان تعمیم بخشید؟ اگر از هدف "معیاری ساختن" که بسیار مشکلات در بر دارد منصرف شویم، آیا در کشوری مانند افغانستان نمیتوان از تزئید و تکثیر کمپیوتر بیشتر برای رشد و گسترش نوشتن و خواندن نتایج مطلوب بدست آورد ؟ نظر شما متخصصین درین باره از چه قرار است، لطفاً ما را تنویر کنید.
دانشمند محترم میرمن واهب واصل میفرمایند که: "... به کمک زبانهای کامل و با قدامت ضرورت داریم تا بتوانیم زبان را از عقیم بودنش در تکنالوژی آپریتنگ سیستم امروز و همچنان از تهاجم زبان های بیگانه نجات دهیم..." - عرض میشود: علم زبان شناسی مفکورهء "زبانهای کامل و با قدامت" را نمی پذیرد. در نزد این علم ""هر زبان مکمل و غنی است که احتیاجات مردم و محیط خود را برآورده سازد." مفکورهء "زبان غنی و زبان فقیر" و هم "زبان مکمل و نا مکمل" را این علم رد کرده است. بطور مثال، زبان انگلیسی زاید از ۵۰۰ نام برای مشروبات الکلی دارد اما زبان دری فقط دو نام دارد(می، شراب) - پس گفته میتوانیم که بخاطر کثرت مشروبات الکلی زبان انگلیسی مکمل و غنی است ؟! – در صورتیکه ما در افغانستان برای هر کدام خربوزه و انگور زاید از۲۰ نام داریم و انگلیسی دو یا سه نام دارد، پس انگلیسی فقیر و دری غنی پنداشته شده میتواند ؟ - اسکیموها در قطب شما ل برای برف ۷۰ نام دارند، ما در افغانستان سه نام داریم (تربرف، خشک برف، ژاله)- فرانسویها برای پنیر ۳۰۰ نام دارند، در افغانستان برای پنیر چهار نام داریم (پنیر شور، پنیر خام، آشاوه، پنیر کشمش پنیر) کشور های افریقایی فیل و آسترالیا کانگرو دارد، اما امریکا این دو حیوان را ندارد - قبایل جنگل نشین افریقا برای پیداوار محیط شان نامهایی دارند که در قاموس های سایر کشورها درج نشده اند- تعدد و انواع مار و نامهای شان در هندوستان، افریقا و امریکای جنوبی فرق دارد. قاموس انگلیسی در ساحه تکنالوژی و فضا نوری کلمات و اصطلاحات بیشتر دارد، اما اگر افغانستان ضرورت پیداکند، یعنی درین ساحه ها انکشاف رخ بدهد، همه کلمات و اصطلاحات تکنالوژی و فضا نوری انگلیسی را ترجمه و در قاموس زبانهای خود می گنجاند، بشرطیکه قدرت هضم آن در فرهنگ ما میسر گردد. معهذا قاموس زبان دری از لحاظ ادبیات و کنایات و استعارات و صنایع ادبی و زین تر و غنی تر از قاموس انگلیسی است.
ازین مثالها باین نتیجه میرسیم که زبانهای ملی ما (پشتو و دری) برای برآورده ساختن احتیاجات اجتماعی، علمی و مدنی مردم و محیط خود به حد کافی غنی میباشند که ضرورت به زبانهای دیگر ندارند، ما از زبانهای عربی، انگلیسی، روسی و ترکی کلمات و اصطلاحات زیاد وامگیری کرده ایم، پروسهٔ (borrowing – وامگیری) یک امر طبیعی بوده و در نتیجهٔ توسعهء مناسبات تجارتی و فرهنگی بین کشور ها، این پروسه خود بخود دوام میکند.
در بارهٔ قدامت زبان، اگر رسم الخط های باستان مصری و میخی را یکسو بگذاریم، از جملهء زاید از ۳۰۰۰ زبان زنده که اکنون در جهان وجود دارند، زبان چینایی متون قدیمتر دارد. یک دانشمند عرب به ارتباط نزول قران بزبان عربی میگوید که حدود ۱٤۰۰ سال قبل زبانهای روسی، فرانسوی، جرمنی، انگلیسی و اسپانوی در اروپا آنقدر ابتدایی و پراگنده و انکشاف نیافته بودند که گنجایش نزول کلام الهی در هیچکدام اینها وجود نداشت،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

از جانب دیگر لزوم تکرار قصص الانبیاء به پیغمبر جدید (صلعم) ایجاب میکرد قران بیکی از زبانهای سامی نازل شود که زبان عربی فصیح ترین و مکمل ترین سلسله زبانهای فامیل سامی در آن زمان بود. این دانشمند به خصلت "زایا" بودن زبان عربی اشاره میکند و میگوید: اگر همین خصلت زبان عربی نمی بود، قران شاید در پنج جلد مماثل گنجانیده میشد. زبان دری هم، به استناد اشعار رودکی و سخن سرایان ماقبل و معاصر او، قدامت حداقل هزار سال پیشتر از عصر رودکی را با سیر و تحول و انکشاف تاریخی آن (اشکاشمی، زیباکی، تخاری، سُغدی، مُنجی، واخی) در بر دارد، یعنی زبان دری در مسیر تاریخی آن از ٦- ٧ مرحلهء امتزاج، داود و گرفت و تحول گذشته و بشکل و وضع کنونی آن قرار گرفته است. زبان دری به شهادت کتیبهٔ (بغولانگاه- سرخ کوتل) از استیلای اسکندر مقدونی و لشکرش و دوام سلطه و مدنیت گریکو بودیک، سپس از استیلای ۳۰۰ سالهٔ عرب، سپس از استیلای وحشتناک و خانمانسوز مغل، از تهاجم جنگجویان ترکی، از استیلای سیاسی و نظامی ۱۵۰ سالهٔ انگلیس، از استیلای سیاسی و نظامی روسیهٔ شوروی، جان به سلامت برده - و خواهر زبانش (پشتو) نیز در مقابل همه استیلا های خارجی مقاومت کرده، هر دو زبان با غنای کافی اکنون در خدمت ملت افغان قرار دارند.

در بخش بالا محترمه میرمن واهب واصل از "عقیم بودن زبان در تکنالوژی آپریتنگ سیستم امروز و همچنان از نجات زبانهای ما از تهاجم زبانهای بیگانه ..." صحبت نموده، در قسمت تهاجم زبانهای خارجی در صفحات بالا توضیحات تقدیم شده و من با تجویز شان موافقت دارم، اما در بارهٔ چگونگی نجات ازین تهاجم، تجاویزی در مقالهء شان نیافتم. بطور مثال سیستم بسیار پیشرفتهٔ تکنالوژی کمپیوتری امروزی چطور و در چقدر مدت میتواند تهاجم کلمات و اصطلاحات ذیل را از زبان دری خنثی سازد؟

(چالش)-(مرز)-(مجلس)-(کشاورزی)-(فرآورده)-(کار شویه)-(جمعا چهار کلمه و دو اصطلاح)

در مورد کلمهء (مجلس) که یک کلمهء عربی است و مدت ۱۳۰۰ سال در افغانستان قدامت داشته و جزء زبانهای دری و پشتو گردیده، از آن اصطلاحات (مجلس عروسی)،(مجلس ساز و موسیقی)،(مجلس بحث و مذاکرات)،۰مجلس ترحیم) و امثالهم ساخته شده، افغانها هیچگاه کلمهء (مجلس)را در افغانستان بمعنی (شورای ملی) استعمال نکرده اند، در حالیکه در ایران (مجلس) بمعنی (شورای ملی) رایج میباشد، و نشرات طلوع همیشه در بخش اخبار دری (مجلس) را به عوض (شورای ملی) استعمال میکنند. اما افغانها یا (شورا) یا(شورای ملی) یا (پارلمان) و یا (ولسی جرگه) میگویند. وقت آن رسیده تا این بدعت نیز بر چیده شود. از باب مثال ترویج کلمهء (مجلس) در ادب دری، یک بیت از شاعری تداعی شد که شبی در یک بستر پُر از پّشه و کّیک خوابیده و این بیت را به یادگار گذاشته است:

پشه سارنگی و من چنگی و کیکان رقاص ------ مجلسی بود که شب تا به سحر خواب نبود

در پاراگراف مطرح شدهء فوق محترمه میرمن واهب واصل، من معنی این جمله: "عقیم بودن زبان در تکنالوژی آپریتنگ سیستم امروز..." را نفهمیدم، چونکه نمیدانم زبان چطور در "تکنالوژی آپریتنگ سیستم" عقیم شده میتواند؟ اگر از جنبهء تخنیک پیشرفته و پیچیدهء کامپیوتری بگذریم، زبانهای ما در بخش گفتار و نوشتار که درین مبحث مطرح شده، هرگز عقیم نشده و عقیم شده نمیتوانند. اینست ادعاء یک زبانشناس، به اساس معنی کلمهء "عقیم"، بمعنی (غیر مولد). اما شاید در "سیستم امروزی تکنالوژی آپریتنگ" نیرنگ ها و مراحلی مضمر باشند که زبان را عقیم بسازند و من آنها را نمیدانم که از غفلت خود معذرت میخواهم.

اکنون میپردازیم به بعضی نکات شامل در مقالهء دانشمند محترم انجنیر قیس کبیر:

دوست دانشمند محترمم انجنیر قیس کبیر در رشتهء فیزیک اتومی و تکنالوژی اتومی یک شخص وارد و با صلاحیت میباشند، ولی همانقدر که من در رشتهء فیزیک اتومی نابینا و ناتوان استم، ایشان نیز در رشتهء زبانشناسی نابلد و ناتوان میباشند، و در حالیکه زبانشناس معروف افغان، مرحوم پوهاند رحیم الهام زبانشناسی را "کسب خام" میخواندند، زیرا در کشور های کم انکشاف غیر از پوهنتون ها در جای دیگر خریدار نداشت، اما فزیک اتومی یک "کسب پخته" بوده و در همه مؤسسات علمی و صناعتی جهان خریدار دارد. در زبان انگلیسی اصطلاح (layman – ناوارد) وجود دارد، امریکائی ها وقتی در رشته ای صحبت میکنند که صلاحیت

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

اکادمیک نمی داشته باشند، قبل از آغاز صحبت، خود را به حیث (ناوارد) معرفی میکنند. ولی اکثر نویسندگان و تایپستان افغان وقتی در مسایل علم زبانشناسی صحبت میکنند، خود را (ناوارد) معرفی نمیکنند. معهذا این خصلت علمی و اخلاقی انجنیر قیس کبیر و میرمن واهب واصل قابل تقدیر است که هر دو، باب مشوره را با دانشمندان و زبانشناسان باز کرده اند.
از توضیحاتیکه در تحت عنوان " تبدیل متن به صدا و سوند " بمنظور انتخاب "بهترین سوند" ارائه شده چنین فهمیده میشود که اول صحبت (صدای) هر افغان با هر زیر و بمی که دارد ثبت شود – سپس تمام این صحبت ها تحت تجزیهء (ا لگوریتم ها) قرار گیرند و سپس به اساس (تجزیه، تحلیل و تفسیر) که در نقشه نشان داده شده، تحت حلاجی قرار گرفته و در اخیر به (متن مطلوب) تبدیل گردد. من معنی (متن مطلوب) را چنین فهمیدم که صدها صحبت در یک زبان، بعد از حلاجی و تجزیهٔ واحد های صوتی هر صحبت، بمنظور همگون سازی واحد های صوتی هر صحبت، بیک متن دارای "صحبت معیاری" تبدیل شود، و آنگاه بشکل زبان "معیاری گفتار" یا "زبان معیاری نوشتار" در (دیتابیس) ثبت گردد تا مردم از آن بحیث "بهترین سوند انتخاب شده" استفاده بتوانند. شعبهٔ (phonology - علم الاصوات) که مسؤول این وظیفه میباشد، به اساس شناخت من از معیار ها و طرز تعامل این شعبه، از اجرای این پروسس بکلی عاجز است، و از زاویهء علم زبانشناسی همگون سازی واحد های صوتی در صحبت های مختلف نا ممکن و ضیاع وقت میباشد.
بنظر من، راه آسان و کم مصرف برای بدست آوردن (متن مطلوب)، خواه نطق سیاسی، خطابهء مذهبی ، بیانیهء سیاسی یا یک کتاب علمی یا یک ناول دلچسپ و امثالهم باشد، اینست که متن اولی و ابتدائی اثر مذکور توسط دانشمند مربوطه و یک زبانشناس مطالعه و بعد اصلاحات لازمه، اگر ثبت آن بحیث (متن مطلوب) در زبان گفتار ضرورت باشد توسط یک نطاق ورزیده و ماهر خوانده و ثبت شود، و اگر ثبت آن بحیث (متن مطلوب) در زبان نوشتار ضرورت باشد، توسط یک خطاط یا تایپست ماهر ثبت شود، و ازین (متن مطلوب) بهر نوعی که خواسته باشند در (دیتابیس) استفاده صورت بگیرد. اگر نظر من از لحاظ معیار های کامپیوتری ناقص باشد، قبلا وارد نبودن خود را درین رشته اعتراف کرده ام و درین صورت باید منتظر نظرات دانشمندان افغان بود.
تشویش انجنیر صاحب قیس کبیر پیرامون کمبود واول ها (فتحه، کسره، ضمه) بشکل یک عنعنهٔ فرهنگی درآمده که اگر چه علامات مذکور اکنون در کمپیوتر ها ایجاد شده، ولی حتی یک فارغ التحصیل دورهء ابتدائی این واول ها را (در حال عدم وجود شان روی کاغذ)، خوشبختانه خوانده و فهمیده میتواند، چونکه مضمون قرائت قران مجید در خانه، مسجد و مکاتب تدریس میشود، درک و فهم واول ها را سهل گردانیده است. اما تشویش دیگر انجنیر صاحب از بابت ترکیب (دونان) وارد نیست، چه اگر این ترکیب فارسی باشد، متشکل است از دو کلمه (عدد و اسم) و هیچ دری زبان آنرا به دو معنی خوانده نمیتواند: (دونان گرم بهتر از دو پاکت کلچه)- اما اگر(دونان) عربی باشد (بمعنی پست و پایان و فرومایه)، در آن صورت نیز کلمه نبوده، بلکه ترکیبیست از (دون) + (آن، که رسم جمع فارسی است) - (دون) در عربی صفت است (البته در جملهء ناصفت ها) و کلمهء صفت در عربی جمع نمی پذیرد، اما دری زبانها بزور خود و به غلط رسم جمع فارسی (آن)را به (دون) چسپانده، آنرا (دونان)ساختند. در زبان فارسی دو رسم جمع داریم:
یکی (ها) دیگری (آن): گل - گلها، خانه - خانه ها، قلم – قلمها، درخت - درختان، مرد - مردان، زن - زنان و امثالهم (البته هر دو رسم جمع با کلمات مختلف قابل تعویض میباشند). ما افغانها کلمهء عربی (محصل) را که جمع آن (محصلین) و کلمهء (محصله) را که جمع آن (محصلات) میباشد، بطور غلط و غیر دستوری، از آن کلمهء (محصلان) را مانند (دونان) اختراع کردیم. هکذا رسم جمع مؤنث عربی (آت) را بطور غلط و غیر دستوری با کلمات دری هزاره، سبزی، میوه، چسپانده: (هزاره جات)، (سبزی جات)، (میوه جات) ساختیم (ظهور صوت /ج/ در بین دو واول یک تحول مورفوفونیمیک است بمنظور سهولت تلفظ که در همه زبانها صورت میگیرد).
با اظهار امتنان از حوصله و التفات هردو دانشمند محترم افغان، اکنون ملتفت میشوم این تبصره شکل یک رساله را بخود گرفته، خدا کند برای کسانیکه طرفدار حفظ اصالت زبانهای ملی خود میباشند، مورد استفاده قرار گیرد. فقط با چهار تبصرهء آخرین با هموطنان محترم خدا حافظی میکنم:
۱) قرار مسموع در ایران برای اصطلاحات کامپیوتری کلمات نو فارسی، ولی بسیار خنده آور، ساخته اند، خواهش و تمنای من از متخصصین افغان در رشتهء تکنالوژی کمپیوتر اینست که شما از اصطلاحات انگلیسی (لپتاپ، آیپد، ایریدر، ایبوک، ای لرنینگ، الگوریتم؛ سافتویر، هاردویر، دونلود، اپلود، دیتابیس، و امثالهم) کار

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بگیرید و آنها را در زبانهای ملی رایج بسازید، زیرا از طریق این اصطلاحات زبانهای ما با جهان مخابره میتوانند.
۲) متن پشتوی مقالهء دانشمند محترم پوهنوال محمد اسعمیل یون را قبلاً در وبسایت (تول افغانستان) خوانده بودم و ترجمهٔ دری آنرا بقلم دانشمند محترم انجنیر احسان الله مایار بار دوم خواندم و حظ بردم و هر کلمه و هر جمله و هر پاراگراف آنرا قابل حمایت و تائید میدانم. امیدوارم مشاورین دلسوز داکتر اشرف غنی این مقاله را نه تنها به توجه او برسانند، بلکه آنرا برای او بخوانند. از جانب دیگر، مقالهء پوهنوال (یون) روشنفکران افغان را درد و راهی قرار میدهد که مفهوم آن در یک ضرب المثل عامیانه نهفته است : " از یکطرف زور فیل، از طرف دیگر کورهٔ آهنگری! " بنظر من، لبیک گفتن این ضرب المثل، این خطر را در بر دارد که زعامت افغانستان برای مدت ۲۰ سال آینده به پنجشیر تعلق میگیرد و بعید از امکان نیست که پسر احمدشاه مسعود بحیث "اعلحضرت مسعود" یا شخصی بنام "اعلحضرت قانونی" عرض اندام کند.
۳) دوستی که اخبار سر چوک کابل را همیشه به من میرساند، دیروز تیلفونی گفت: دلیل اینکه وزارت دفاع جواب راکت پرانی های پاکستان را داده نمیتواند اینست که در گدام های وزارت دفاع تعداد کافی راکت وجود ندارد، زیرا فهیم و بسم الله وقتی اینها لوی دریستیز و وزیر دفاع بودند، بیشتر از ۷۰۰۰ راکت را به گدام های سلاح پنجشیر تسلیم داده بودند. درین اواخر بسم الله نزد گدامدار پنجشیر رفته و گفت: وزارت دفاع میخواهد ۲۰۰۰ راکت را به قیمت بازار بین المللی از شما خریداری کند. گدامدار پنجشیر بعد از مشوره با داکتر عبدالله گفته که تا زمانیکه داکتر عبدالله رئیس جمهور نشود، اجازهٔ فروش راکتها را ندارد – منبع علاوه کرد که در امتداد سرحد طویل ولایت کنر فاصله ای به عرض ۲۰ کیلومتر را عسکر پاکستان بزور راکت پرانی غیر مسکون ساخته و ملیشای خود را در این کوه های استراتیژیک جابجا نموده، حتی پایگاه های جدید ساخته، تا خط جدید دیورند را به میل خود در خاک افغانستان ایجاد نماید، منبع علاوه کرده که عبدالله، قانونی، بسم الله و محقق بطور جدی مخالف هرگونه عمل باالمثل به مقابل پاکستان میباشند، اینها باین عقیده اند که وقتی داکتر عبدالله در مقام اجرائیه و صدارت قرار بگیرد، او این مشکل را از طریق مذاکره با پاکستان حل و فصل خواهد کرد. والغیب عندالله.
٤) نود و پنجمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان امسال(۲۸ اسد ۱۳۹۳-۲۰۱٤) در شرایطی در افغانستان یاد آوری میشود که این کشور عاشق و سر سپردهء آزادی نه حکومت دارد و نه استقلال! در حدود ٦۰ هزار عسکر خارجی هنوز در خاک افغانستان وجود داشته و بی طرفی آن نقض شده- هر روز حداقل ۱۰۰ راکت توسط دال خوران غلام صفت به ولایت کنر و هر هفته یک حمله توسط ملیشای پاکستان بالای یک شهر در قندهار، ننگرهار، لوگر، پکتیا و کندز صورت میگیرد- فرزندان ناخلف این خاک یکی تصمیم به کودتا و تجزیه دارد، دیگری برای تصاحب چوکی حق انتخاب و موجودیت مردم را سلب میکند. این در حالیست که مسلمانها در فلسطین در مدت یک هفته برای حصول استقلال خود سه هزار شهید و ۱۵هزار زخمی را متحمل شده اند. تجلیل از استقلال افغانستان که قبلاً با مراسم شاندار و به اشتراک همه طبقات ملت صورت میگرفت، بعد از روز ساختگی ۸ ثور و جشن قهرمانی قهرمان شوروی احمدشاه مسعود، به درجه و اهمیت سوم قرار گرفته و مقامات شورای نظار پیهم سعی نموده اند اهمیت سالگرد استقلال را در نظر مردم حقیر و بی لزوم جلوه دهند. خداوند(ج)، تو به لطف و کرم خود این "دولت خداداد" را نگهدار- آمین یا رب العالمین.
یادداشت: این مقاله در وبسایت های وزین (تول افغانستان) و (دعوت) نشر شده، حق اقتباس آن برای سائر منابع نشراتی مجاز میباشد، بشرطیکه عیناً و بدون تغییر و تصرف نشر شود، و مرجع اقتباس نیز ذکر گردد.

E-MAIL : afghanmirror۳@yahoo.com --- TEL : ۹۰۹ ٦۲٥ ۸۰٥۱
Address: ٥۳۷۹ GRANAD ST. , MONTCLAIR CA, ۹۱۷٦۳ - USA

با عرض احترام – سید خلیل الله هاشمیان – ۲۰ آگست ۲۰۱٤
تصحیح یک اشتباه: در صفحه دوم، پاراگراف سوم (خواندن) مرحلهء سوم و(نوشتن) مرحلهء چهارم آموزش زبان درج شده، معکوس آن درست است: یعنی (نوشتن) مرحلهء سوم و (خواندن) مرحلهء چهارم است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ